

فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره چهل‌ونهم، بهار ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۲۶

انگاره مسیحیت و مسیحیان در سیره رسول خدا ﷺ

محمد رضا محمدی^۱

عباس احمدوند^۲

عبدالله فرهی^۳

چکیده

دین مسیحیت شش قرن پیش از اسلام با رسالت حضرت عیسی علیه السلام در سرزمین فلسطین پدید آمد و به مرور مسیحیان در جزیره‌العرب نیز پراکنده شدند. با ظهور اسلام به‌عنوان آخرین دین ابراهیمی در حجاز، با توجه به پیشینه توحیدی مسیحیت و تماس‌های ناگزیر مسلمانان با مسیحیان، مواجهه و گفت‌وگو از مسیحیت و پیروان آن در قرآن کریم امری ناگزیر نمود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در طول دوران بعثت بر اساس تعالیم قرآن کریم و انگاره برخاسته از آیات مربوط به مسیحیت و مسیحیان به مواجهه با آنان پرداخت و در نوع ارتباط با مسیحیان به اقتضای زمان و مکان، تدابیری از گفت‌وگو تا برخورد همچون هجرت به حبشه، گفت‌وگوهای گروهی و فردی با مسیحیان، ارتباط‌گیری با حاکمان مسیحی از طریق نامه‌نگاری، پیمان‌نامه صلح با قبایل مسیحی و یا برخورد نظامی با آنان را برگزید. این تدابیر در چارچوب انگاره ارائه شده در قرآن کریم بوده‌است. در این مقاله با روش زمینه‌شناسی تاریخی و با بهره‌مندی از رویکرد تاریخ‌انگاره تلاش شده‌است تا با توجه به تعاملات، گفت‌وگوها و برخوردهای مذکور، به خوانش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مسیحیت و مسیحیان و انگاره شکل یافته سیره نبوی نسبت به مسیحیت و مسیحیان دست یافت.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری انگاره‌ای، مسیحیت در سیره نبوی، هجرت به حبشه.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mohammadreza.3748@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. a_ahmadvand@sbu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. farrahi@mazaheb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۱/۱۷

The Image of Christianity and Christians in Sira of the prophet Mohammad (PBUH)

Mohammad Reza Mohammadi¹

Abbas Ahmadvand²

abdullah Farrahi³

Abstract

Christianity emerged six centuries before Islam by Christ in Palestine, and Christians gradually dispersed in the Arabian Peninsula. Considering the monotheistic background of Christianity, the inevitable contact of Muslims with Christians and the emergence of Islam as the last Abrahamic religion in Hijāz, it was unavoidable to confront and discuss Christianity and its followers in the Quran. During his prophet hood, Muhammad dealt with Christians based on the teachings of the Qur'an and the concept arising from the verses related to Christianity and Christians, and in the type of communication with Christians, depending on the time and place, measures from dialogue to confrontation such as migration to Abyssinia, Individual and group discussions with Christians, communication with Christian rulers through letter writing, peace treaty with Christian tribes or military treatment with them. These measures are in the framework of the concept presented in the Quran. In this article, an attempt has been made to achieve the Prophet's reading of Christianity and Christians and the formed concept of the prophetic life about Christianity and Christians by using the method of historical context and Conceptual History taking into mentioned reports about interactions, conversations, and encounters.

Keywords: History of ideas historiography, Christianity in Sira of the prophet, Immigration to Abyssinia.

1. Ph. D. candidate of Islamic history, Islamic Denominations International University, Tehran. Iran (corresponding author). mohammadreza.3748@gmail.com

2. Associate professor, department of Islamic history and civilization, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran. a_ahmadvand@sbu.ac.ir

3. Assistant professor, department of Islamic history, Islamic Denominations International University. farrahi@mazaheb.ac.ir

درآمد

در آستانه ظهور اسلام (قرن هفتم میلادی)، شبه‌جزیره عربستان، به سبب شرایط جغرافیایی خاص بیابانی و امکان پناه‌یابی در آن، مأمن بسیاری از پیروان ادیان توحیدی چون یهودیت، مسیحیت و یا ادیان غیر توحیدی چون بت‌پرستی و ستاره‌پرستی بود. در میان ادیان توحیدی، مسیحیت در گوشه و کنار شبه‌جزیره، نمود و بروز بیشتری داشت. مسیحیت از اطراف جزیره‌العرب و از طُرُق متعددی وارد این سرزمین شد. علت انتشار مسیحیت در جزیره‌العرب، به تأثیر اقدامات چهار مرکز مسیحی برمی‌گردد که در مجاورت سرزمین‌های عرب قرار داشتند؛ این چهار مرکز، شامات (سوریه) در شمال غربی، عراق در شمال شرقی، حبشه در غرب دریای احمر و نجران در جنوب شبه‌جزیره هستند (سالم، ۱۳۸۲). با توجه به تبلیغ مسیحیت از مراکز مسیحی مجاور با اغراض دینی و سیاسی، تا پیش از ظهور اسلام قبایل عرب متعددی با این دین آشنا شده و تمام یا گروهی از آن قبیله یا طایفه به مسیحیت گرویده بودند. بنابر نقل برخی از مورّخین، گروهی از قبیله قریش از بنی‌أسد بن عبدالعزی که عثمان بن حُوَیث بن‌أسد و وَرَقَة بن نوفل بن‌أسد از آنان است، مسیحی شدند و نیز بنو إمرؤالقیس بن زید از بنی تمیم، بنی تغلب از ربیعه و طیّء، مَدْحِج، بَهْرَاء، سُلَیْح و تَنُوخ از قوم قضاعه، لَخم و گروهی از غَسَّان از یمن مسیحی شدند (یعقوبی، ۱/۲۵۷؛ ابن قتیبه دینوری، ۶۲۱؛ مسعودی، ۲/۸۲-۸۳). برخی از افراد تأثیرگذار و مشهور در جاهلیت همچون عدی بن زید عبادی نیز بر آئین مسیحیت بودند (علی، ۱۲/۱۹۷). به اعتقاد برخی از مستشرقان، مسیحیت رایج در میان عرب پیش از اسلام در شبه‌جزیره، معمولاً مسیحیت یعاقبه و نسطوریه بوده‌است (ژیلیو، ۵۷؛ پیگولوسکایا، ۶۱۲)؛ گرچه در برخی از مناطق همچون شرق جزیره‌العرب، نسطوریه مذهب غالب بود (علی، ۱۲/۱۹۷).

رسول خدا ﷺ ۲۳ سال در میان مردم به تبلیغ آموزه‌های دینی و وحیانی خود پرداخت و در این مدّت محل استقرار ایشان دو شهر مکه و مدینه (یثرب) بود. عمده ساکنان مکه، قبایل مشرک و بت‌پرست بودند و ادیان یهود و نصارا کمتر در آنجا سکونت داشتند و حنفای ابراهیمی نیز در اقلیت بودند که نام برخی از آنان از جمله

عبدالمطلب، پدر بزرگ رسول اکرم ﷺ، در گزارش‌های تاریخی آمده است (یعقوبی، ۱۰/۲-۱۱). شهر مدینه (یثرب) محل سکونت دو قبیله مشرک اوس و خزرج بود اما قبایل یهودی متعددی در مدینه و اطراف آن سکونت داشتند و همین امر باعث آشنایی بیشتر مردم مدینه با ادیان ابراهیمی شده بود. مسیحیان عمدتاً در شمال و جنوب حجاز بودند و بر پایه روابط تجاری با قبایل مکه و مدینه ارتباط اقتصادی داشتند. آنها پس از ظهور اسلام در مکه و خصوصاً تشکیل حکومت دینی در مدینه، روابط و تعاملاتی با پیامبر ﷺ داشتند. چگونگی رویکرد رسول خدا ﷺ در مواجهه با مسیحیان به عنوان اهل کتاب و چیستی خوانش برخاسته از مجموع گفتگوها، تعاملات و برخوردهای ایشان با مسیحیت و مسیحیان، پرسشی است که در این نوشتار بدان پاسخ داده می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران متعددی به تعاملات و روابط میان رسول خدا ﷺ و مسیحیان پرداخته‌اند. مُراد (۱۳۹۹ش) در پرداخته همچون مقاله «مسیحیت و مسیحیان در سیره نبوی» به گزارش تاریخی رویارویی‌های پیامبر ﷺ و مسیحیان اشاره کرده است. همچنین گُدارد (۱۳۹۸ش) در فصل دوم از کتاب *تاریخ روابط اسلام و مسیحیت* اشاره مختصری به برخوردها و مواجهه پیامبر ﷺ با مسیحیان داشته است. سعادت (۱۳۸۵ش) در مقاله «سیره سیاسی و مبارزاتی پیامبر اعظم ﷺ با اهل کتاب» اشاراتی به مباحثه و برخوردهای نظامی پیامبر ﷺ با مسیحیان داشته است. علی بیگی و همکاران (۱۳۹۷ش) در مقاله‌ای با عنوان «مواضع سیاسی - نظامی پیامبر ﷺ در مواجهه با مسیحیان جزیره‌العرب» به بررسی برخوردهای نظامی و سیاسی رسول خدا ﷺ با مسیحیان شمال شبه‌جزیره و تعاملات ایشان با مسیحیان جنوب شبه‌جزیره پرداخته است. مریم و معصومه یدالله‌پور (۱۳۹۱ش) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سیره نظری و عملی پیامبر ﷺ با مسیحیان جزیره‌العرب»، رویارویی‌های نظامی، تعاملات فرهنگی، عهدنامه با مسیحیان نجران و پرداخت جزیه را مورد بررسی قرار داده‌اند.

پیری اردکانی (۱۳۹۱ش) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «مناسبات فرهنگی مسلمانان و مسیحیان در سده نخستین هجری»، مواجهه حاکمان مسلمان با مسیحیان از صدر اسلام تا بخش زیادی از دوران خلفای اموی را بیان کرده است. با این همه این پژوهش‌ها، به نقل گزارش‌های تاریخی اکتفا کرده و با رویکرد تاریخ‌نگاره به دنبال به دست آوردن خوانش رسول خدا ﷺ از مجموع تعاملات، گفتگوها و برخوردها به‌عنوان یک الگوی رفتاری نبوده‌اند. شناخت و معرفی خوانش رسول خدا ﷺ از مسیحیت و مسیحیان در واقع شناخت‌نگاره اصیل اسلامی هم‌نوا با قرآن کریم درباره مسیحیان است که می‌تواند یک الگوی صحیح و کارآمد و نقشه راه برای جوامع اسلامی حاضر در مواجهه با اهل کتاب باشد.

مفهوم‌شناسی

۱- انگاره

واژه انگاره در لغت به معانی مختلفی همچون تصور، پندار و گمان، نقش ناتمام، طرح و نقشه، تخمین، از سرگرفتن سرگذشت و افسانه به صورت مکرر (انگاره کردن) و دفتر حساب آمده است (دهخدا، ۲۶۶/۱). اصطلاح تاریخ‌نگاری انگاره‌ای به عنوان شاخه‌ای از تاریخ‌نگاری فرهنگی به تازگی و در چند سال اخیر به محافل علمی و دانشگاهی ما معرفی شده است. در واژه تاریخ‌نگاره دو خصوصیت مهم وجود دارد: نخست آنکه اجتماعی است و از ساحت فردی کاملاً بیرون است و دیگر آنکه حاصل یک فرایند تاریخ‌دار است یعنی فرایندی که یک انگاره از شکل‌گیری نخستین تا رسیدن به حد یک تصویر ساخت‌یافته را طی کرده است. بنابراین یک انگاره یک امر اجتماعی-تاریخی است و نقش پژوهشگر در ارتباط با آن از مقوله کشف است نه تعریف (گرامی، ۷). در این نوشتار نیز دو مفهوم مسیحیت و مسیحیان که پیش از اسلام در اذهان مردم حجاز وجود داشت را در چارچوب تعاملات، گفت‌وگوها و برخوردهای پیامبر اسلام ﷺ با آنان واکاوی کرده تا خوانش و انگاره ساخت‌یافته از سیره نبوی کشف شود.

۲- مسیحیت و مسیحیان

وقتی سخن از مسیحیت به عنوان یکی از ادیان ابراهیمی می‌شود، مفاهیم متعددی همچون حضرت عیسی مسیح، حضرت مریم، کتاب مقدس، حواریون، پسر خدایی، آموزه تثلیث و الوهیت مسیح و مانند اینها در ذیل آن قرار می‌گیرد که در واقع این آئین بدان مفاهیم شناخته می‌شود. این مفاهیم صرفاً مفاهیم ذهنی نیستند بلکه خود، واقعیت‌های خارجی در زمانه‌ای و یا آموزه‌هایی شکل یافته در گذر تاریخ هستند. بنابراین سخن از مسیحیت به عنوان یک دین، سخن از آموزه‌های اصلی و ارکان بنیادین آن دین است که فعل و انفعالات، کنش‌ها و واکنش‌ها و اوامر و نواهی را برای پیروان خود تعیین و تشریح می‌کند تا پیروان آن به عنوان مسیحیان با التزام و تمسک به آن آموزه‌ها، خود را به اهداف متصور در آن دین نزدیک کنند.

تعاملات رسول خدا ﷺ با مسیحیان از گفت‌وگو تا برخورد

رسول الله در مدت رسالت خویش در مکه و مدینه با مسیحیان تعامل داشت. بررسی این تعاملات از برخورد تا گفت‌وگو می‌تواند ما را در یافتن خوانش پیامبر ﷺ از مسیحیت و مسیحیان یاری کند. در این نوشتار، مواجهه‌ها و تعاملات رسول خدا ﷺ با مسیحیان از مکه تا مدینه بر اساس ترتیب زمانی مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته است؛ اگرچه در مواردی با توجه به اقتضائات و عناوین نوشتار، زمان وقوع رویدادها مورد توجه قرار نگرفته است.

۱- مهاجرت به حبشه

رسول خدا ﷺ در ایام تبلیغ در مکه با وجود تلاش‌های فراوان با مخالفت اشراف مکه در مقابل توحید و اصرار آنان بر بقای بت پرستی و تعصبات جاهلی مواجه شد. همه ماجرا به این مخالفت و اصرار بر بت پرستی خودشان بر نمی‌گشت بلکه آنان وقتی از کارکرد اجتماعی توحید در تعالیم دین جدید حضرت محمد ﷺ یعنی عدالت محوری، کرامت و مساوات جایگاه انسانی آگاه شدند، به مبارزه با آن پرداختند (زرگری نژاد، ۲۴۶) و علاوه بر تقابل با رسول خدا ﷺ، به شکنجه و آزار و اذیت تازه

مسلمانان مستضعفین مکه پرداختند. از این رو رسول الله در سال پنجم بعد از بعثت به مسلمانان برای حفظ جانشان و رهایی از فشار کفار قریش، سفارش کرد تا به حبشه هجرت کنند (ابن اثیر، ۷۷/۲). ایشان فرمود: «اگر از اینجا خارج شوید و به سرزمین حبشه بروید، در آنجا حاکمی است که نزد او و در سایه حمایت او به کسی ظلم نمی شود و آنجا سرزمین صدق و راستی است. در آنجا بمانید تا خدا گشایشی نسبت به وضع فعلی شما ایجاد کند و شما را از آزار آنان نجات دهد» (ابن هشام، ۳۲۱/۱).

بر اساس این گزارش رسول خدا ﷺ، نجاشی مسیحی را حاکمی عادل و سرزمین وی را سرزمین درستی و صداقت معرفی کرد. این تصویر در زمره اولین خوانش‌هایی بود که پیامبر ﷺ پس از بعثت، از مسیحیان ارائه کرد. خوانشی که در آن حاکم مسیحی، انسانی عادل و حق‌محور و امت وی، مردمی اهل صدق و صفا خوانده شده‌اند. این خوانش را می‌توان هم‌نوا با آیه ۸۲ سوره مائده دانست که در آن مسیحیان را در مودت و محبت مشتاق‌تر معرفی می‌کند: «یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت؛ و البته نزدیک‌ترینشان را در دوستی با مؤمنان، کسانی می‌یابی که گفتند: ما نصرانی هستیم. این واقعیت برای آن است که گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خدا ترس‌اند، و آنان [در پیروی از حق] تکبر نمی‌کنند».

پیرو این سفارش، عده‌ای از مسلمانان در سال پنجم بعثت از مکه به سوی حبشه هجرت کردند. به گزارش یعقوبی (۲۹/۲) در مرحله اول دوازده مرد و در مرحله دوم هفتاد مرد به جز فرزندان و زنانشان به حبشه هجرت کردند. رهبر مهاجرین مرحله دوم جعفر بن ابی طالب بود. قریشیان که از برخورد مسالمت‌آمیز نجاشی با مسلمانان آگاه شدند، عمرو بن عاص و عبیدالله بن ابی ربیع (در برخی منابع نام عماره بن ولید مخزومی در کنار عمرو بن عاص آمده است) را با هدایایی برای نجاشی و درباریان وی به سوی حبشه فرستادند. نجاشی مهاجرین را فراخواند و مهاجرین نزد وی و درباریان وارد شدند. پادشاه از دین آنان و رویگردانی از دین اشرافشان پرسید. از میان مهاجرین، جعفر بن ابی طالب سخن گفت و برای نجاشی وضعیت شرک و فساد عصر جاهلیت

در حجاز را ترسیم و دعوت رسول اسلام به توحید، صداقت و دوری از شرک و فساد را برای وی تشریح کرد و در خصوص جایگاه حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در اسلام برای نجاشی آیات سوره مریم را تلاوت کرد. با شنیدن آن آیات، اشک از دیدگان نجاشی جاری شد (ابن هشام، ۳۳۴/۱-۳۳۶). سپس نجاشی مهاجرین را آسوده خاطر ساخت که هرگز آنان را به قریش نخواهد سپرد. مسلمانان در آنجا به سلامت در کنار مردم حبشه زندگی کردند (یعقوبی، ۳۰/۲).

هشت سال بعد، سی و سه نفر از مردان و هشت نفر از زنان مسلمان پس از هجرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به مدینه بازگشتند و مابقی در آنجا ماندند تا آنکه در سال هفتم هجری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نامه‌ای به سوی نجاشی ارسال و وی را دعوت به اسلام کرد. نجاشی بلافاصله پذیرفت و در ضمن نامه‌ای اسلام خود را اعلام کرد و سپس در آن سال جعفر و دیگر مسلمانان باقی مانده از حبشه به مدینه بازگشتند (ابن سعد، ۱/۱۶۲).

۲- گفت‌وگو و رفتار کریمانه

یکی از انواع تعاملات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مسیحیان، گفت‌وگوی چهره به چهره برای تبیین حقایق تعالیم اسلام همراه با اخلاق کریمانه و گستراندن بال‌های عفو و رحمت نسبت به آنان بود. چه در ایامی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مکه و تحت فشارهای اجتماعی مشرکان قریش و چه زمانی که ایشان در مدینه صاحب حکومت دینی و سیاسی بودند، همواره یکی از عواملی که باعث کشف حقیقت برای اهل کتاب و مشرکین می‌شد، همین اخلاق کریمانه ایشان در قول و فعل بوده‌است. از این رو عده‌ای از مسیحیان که در جستجوی حقیقت بوده‌اند، تحت تأثیر گفتار و رفتار کریمانه و رئوفانه ایشان قرار گرفته و مسلمان شدند. اکنون چند مورد از مواجهه گروهی یا فردی مسیحیان با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان می‌شود:

الف) ماجرای ایمان آوردن جمعی از مردم نجران

در ایامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مکه بود، روزی حدود بیست نفر از مسیحیان حبشه - و شاید مسیحیان نجران - که خبر نبوت آن حضرت را شنیده بودند جهت تحقیق به

مکه آمده و برای ملاقات و گفتگو با ایشان وارد مسجدالحرام شدند. در آنجا رسول خدا ﷺ را دیدند و پرسش‌های خود را پرسیدند و برای هر یک پاسخی دریافتند. پس از اتمام پرسش‌ها، پیامبر ﷺ آنان را به دین اسلام دعوت کرده و آیاتی از قرآن برای آنان تلاوت فرمود. وقتی آن آیات مقدّس را شنیدند، چنان تحت تأثیر قرار گرفتند که اشک از دیدگان‌شان سرازیر شد و مسلمان شدند و رفتند (ابن هشام، ۱/۳۹۱-۳۹۲).

قرآن کریم در وصف مسیحیان در جستجوی حقیقت می‌فرماید: «[و برخی از] کسانی که پیش از قرآن کتابشان دادیم، به قرآن ایمان می‌آورند و هنگامی که بر آنان خوانند، می‌گویند: به آن ایمان آوردیم، یقیناً این قرآن از سوی پروردگاران حق و درست است، البته ما پیش از نزول آن [به سبب راهنمایی‌های تورات و انجیل] تسلیم بودیم. اینان دوبار پاداش می‌گیرند چون صبر [بر ایمان و عمل به قرآن] کردند و بدی [مردم] را با نیکی و خوبی خود دفع می‌کنند و از آنچه به آنان روزی کرده‌ایم، انفاق می‌کنند» (قصص/۵۲-۵۴).

ب) ایمان آوردن عدّاس و عدی بن حاتم طائی

بعد از رحلت حضرت ابوطالب رضی الله عنه، کار تبلیغ در مکه بر پیامبر ﷺ بسیار سخت شد لذا برای برون رفت از این بن‌بست تبلیغی تصمیم گرفت تا به طائف سفر کند و مردم قبیله را به اسلام دعوت نماید. در آنجا با سه فرزند عمرو که از سران ثقیف بودند گفتگو کرد ولی با برخورد سرد و انکارآمیز آنان مواجه شد. به نظر می‌رسد این برخورد تحت تأثیر فشار سران قریش مکه بود؛ چنانکه عتبّه و شیبّه فرزندان ربیعّه از پیشتازان دشمنی با پیامبر ﷺ، در آنجا حضور داشتند و ناظر وقایع بودند (طبری، ۲/۳۴۶). در نهایت عدّه‌ای از اهل طائف به سوی حضرت سنگ پرت کردند تا جایی که پای ایشان زخمی شد. پیامبر ﷺ برای در امان ماندن از آنان به باغی که متعلق به همان فرزندان ربیعّه بود پناه آورد و به دیواری تکیه داد تا اینکه غلامی به نام عدّاس مسیحی با ظرفی از انگور نزد ایشان آمد. پیامبر خدا ﷺ با محبت و مهربانی با وی گفتگو و از یونس نبی که همچون عدّاس، اهل نینوا بود، یاد کرد. سخنان و گفتار محبت‌آمیز رسول خدا ﷺ انقلابی درون

آن مرد مسیحی ایجاد کرد و دانست که با یکی از انبیای الهی ملاقات کرده است؛ لذا همانجا پیشانی و دست و پای پیامبر ﷺ را بوسید و مسلمان شد (بیهقی، ۶۷-۶۸). از دیگر مسیحیانی که خود نزد رسول الله آمده و مسلمان شد، عدی بن حاتم طائی، رئیس قبیله طیء و بزرگ مسیحیان حجاز بود. وی در سال نهم هجری، پس از حمله مسلمانان به شام گریخت درحالی که خواهرش اسیر شد. وی پس از آزادی خواهرش به خاطر رحمت و توجه خاص رسول خدا ﷺ به این خانواده، به سفارش خواهرش به مدینه نزد پیامبر ﷺ آمد و با دیدن حُسن خلق و تواضع ایشان در مقابل مردم، دریافت که این نوع برخورد لاجرم از سوی یک نبی است نه یک پادشاه و مسلمان شد (ابن اثیر، ۲۸۵/۲-۲۸۶). خُلُق عظیم، برخورد رثوفانه و عفو کریمانه پیامبر ﷺ با مسیحیانی همچون عداس و عدی بن حاتم و خواهرش باعث گرایش آنان به اسلام شد. این خُلُق عظیم نبوی که همواره عاملی در جذب طالبانِ فطرت و دعوت آنان به سوی توحید اصیل ابراهیمی بود، نشان از اهتمام حضرت به دعوت مسیحیان به سوی حقیقت دارد چنانکه قرآن کریم نیز در خصوص دعوتِ اهل کتاب فرمود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...» (آل عمران/۶۴).

۳- نامه به ملوک دیگر سرزمین‌ها

در اواخر سال ششم یا اوایل سال هفتم هجری (ابن هشام، ۳۰۸/۲؛ طبری، ۶۲۰/۲؛ بلاذری، انساب، ۳۴۹/۱؛ ابن سعد، ۹۲/۲). رسول خدا ﷺ به همراه گروهی از مسلمانان برای به‌جا آوردن اعمال حج به سوی مکه رفت که این سفر پیش از ورود به شهر مکه به صلح حدیبیه با مشرکان مکه منتهی شد. پس از آن، پیامبر ﷺ بر اساس رویکرد قرآن کریم در آیه ۶۴ سوره آل عمران^۱ برای گسترش اسلام و هدایت جهانی به توحید اصیل ابراهیمی، نامه‌هایی به سوی پادشاهان و ملوک سرزمین‌های مختلف ارسال کرد. رسول اکرم ﷺ دِحیه بن خلیفه را به همراه نامه‌ای به سوی هرقل قیصر روم،

۱. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ».

عبدالله بن خُذافَه را به سوی خسرو پرویز پادشاه ایران، عمرو بن اُمیّه را به سوی نجاشی پادشاه حبشه، حاطب بن اَبی بلتَعه را به سوی مُقوقس پادشاه اسکندریه، عمرو بن عاص سَهْمی را به سوی جَیْفَر و عَبّاد دو فرزند جُنْدی حاکمان عمان (مقریزی، ۳۶۷/۲؛ بلاذری، انساب، ۲۷۸/۱۰، نام برادر جَیْفَر را عمرو یا عبد ذکر کرده‌اند)، سلیط بن عمرو را به سوی ثُمَامَه بن اِثال و هُوذَه بن علی حاکمان یمامه، علاء بن حَضْرَمی را به سوی منْدَر بن ساوی پادشاه بحرین، شجاع بن وهب را به سوی حارث بن اَبی شَمِر غسانی پادشاه شامات (یا جَبَلَه بن اَیْهَم آخرین پادشاه غسانی)، مُهاجر بن ابی اُمیّه را به سوی حارث عبد کُلال پادشاه حِمیر فرستاد (ابن هشام، ۶۰۷/۲؛ بلاذری، همان، ۵۳۱/۱). با توجه به محتوای نامه‌ها و گزارش‌های تاریخی (ابن کثیر، ۳۲۵/۲، ۱۸۰/۴، ۶۳/۸)، برخی از این ملوک همچون ملوک روم، اسکندریه، حبشه و شام (ملوک غسانی) بر آئین نصرانیت بودند. همچنین شعر اَعشی در مدح هُوذَه بن علی نشان از مسیحی بودن وی دارد (علی، ۱۹۷/۱۲).

آن نامه‌ها به طور کلی دارای مفاهیم واحدی بودند؛ گرچه با الفاظ متفاوتی بیان شدند. محتوای نامه‌ها دعوت به توحید و اسلام و تمسک به آیه ۶۴ سوره آل عمران بود که خطاب به اهل کتاب نازل شده است (یعقوبی، ۷۸/۲). رسول خدا ﷺ در نامه‌ای به پادشاه روم وی را از شریک قائل شدن در ربوبیت خداوند یکتا برحذر داشت. این امر اشاره به ردّ اعتقاد به الوهیت مسیح و تثلیث دارد. رسول خدا ﷺ به صراحت آموزه کلیدی مسیحیت را گمراه کننده و اسلام را عامل نجات و رستگاری معرفی کرد. از آنجا که اسلام آوردن وی باعث اسلام آوردن ملّت روم نیز می‌شد، پیامبر ﷺ وی را مستحق دو پاداش دانست و بالعکس در صورت بقای بر مسیحیت وی را مستحق دو عذاب دانست؛ یکی به دلیل شرک خود در اعتقاد به تثلیث و دیگری به دلیل شرک ملّت روم در تبعیت از مسیحیت.

پس از این نامه‌ها برخی از ملوک، مسلمان شدند و برخی مُصرّانه بر مسلک خود باقی ماندند. قیصر روم بر نصرانیت باقی ماند از این رو دحیه، سفیر پیامبر ﷺ، محتوای دعوت را به ضغاطر، اسقف اعظم روم عرضه کرد و او پس از تأمل، پاسخ داد: «به خدا

صاحب تو نبی مرسل است و ما صفات او را در کتاب خود دیده‌ایم. سپس عصای خود را برداشت و نزد رومیان در کلیسا رفت و آنان را به نبوت پیامبر اسلام دعوت کرد و خود در میان آنان بر وحدانیت خدا و رسالت وی شهادت داد. رومیان بر او شوریدند و وی را کشتند» (طبری، ۶۵۰/۲). مقوقس پادشاه اسکندریه با خواندن نامه پیامبر ﷺ مسلمان نشد اما با احترام، به نامه پاسخ داد و چهار کنیز به همراه هدایایی به مدینه فرستاد که یکی از کنیزان ماریه قبطیه بود که پیامبر ﷺ از وی صاحب پسری به نام ابراهیم شد (طبری، ۱۶۷/۳). جارود بن عمرو که از رجال مسیحی بحرین بود، نزد رسول الله آمد و به همراه یارانش مسلمان شد و تا پایان عمر بر اسلام باقی ماند (علی، ۱۹۸/۱۲).

پادشاه دیگر، حارث بن اُبی شمر غسانی فرمانروای نصرانی دمشق بوده که پس از خواندن نامه با غرور گفت: «چه کسی می‌خواهد پادشاهی مرا از من بستاند». او تصمیم حمله به مدینه را در سر داشت. پیامبر ﷺ وی را نفرین کرد که «پادشاهی‌اش از دست برود» و چنین شد (ابن خلدون، ۴۵۰/۲). در خصوص جَبَله بن اَیْهَم نیز گزارش‌هایی مبنی بر ارسال نامه پیامبر ﷺ توسط شجاع بن وهب به وی وارد شده است اما به نظر می‌رسد که شجاع بن وهب صرفاً حامل نامه به سوی حارث بن اُبی شمر بوده است چرا که جَبَله بن اَیْهَم در سال هشتم هجری و پس از درگذشت حارث بن اُبی شمر به پادشاهی رسید (مقدسی، ۲۳۸/۴). وی در واقعه یرموک در سال پانزدهم هجری و در دوران حکومت عمر بن خطاب، با لشکری به یاری قیصر روم شتافت و در مقابل سپاه مسلمانان جنگید و شکست خورد (یعقوبی، ۱۴۱/۲). پس از فتح شام توسط مسلمانان، او مسلمان شد اما مدتی بعد به دلیل تکبر و ممانعت از قصاص، مرتد شد و بر آئین نصرانیت شبانه به سوی قسطنطنیه نزد قیصر روم گریخت (ابن اعثم، ۲۳۲/۱-۲۳۳).

در میان ملوک، برخورد اَصْحَم، نجاشی حبشه با دعوت رسول خدا ﷺ کاملاً متفاوت بود. پیامبر ﷺ عمرو بن امیه ضَمَری را به همراه نامه‌ای به حبشه فرستاد. این نامه علاوه بر دعوت به توحید و اسلام، حاوی سفارش درباره جعفر بن اُبی طالب و دیگر همراهانش بود که از سال‌ها قبل از مکه به حبشه مهاجرت کرده بودند. متن نامه به شرح ذیل است: «به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد رسول خدا به نجاشی

اصحح پادشاه حبشه. سلام بر تو باد! من خداوند یکتا، آن پادشاه، آن قدوس، آن سلام، آن مؤمن و آن مهیمن را سپاس می‌گویم و شهادت می‌دهم که عیسی روح خدا و کلمه اوست که آن را به مریم طیبه بتول آن زن پاکدامن افکنده است و او به عیسی حامله شده؛ پس عیسی را از روح و نفخه خود آفرید، چنانکه آدم را به دست و نفخه خود آفریده است. تو را به خدای واحد که شریکی ندارد، دعوت می‌کنم و تو را به فرمانبرداری از او، فرا می‌خوانم. از من پیروی نما و به آنچه بر من نازل شده است، ایمان بیاور که من رسول خدا هستم. پسر عم خود جعفر را با گروهی از مسلمانان نزد تو فرستادم. پس چون نزد تو آمدند تو ایمان بیاور و سرسختی فرو گذار. من تو را و سپاهت را به خدا می‌خوانم. هر آینه سخن خود و اندرز خود به تو رسانیدم. پس اندرز من بپذیرید. و سلام بر آنان که از هدایت پیروی می‌کنند» (ابن خلدون، ۲/۴۵۰-۴۵۱).

در این نامه، رسول خدا ﷺ از حضرت عیسی مسیح عليه السلام و مادرش مریم مقدّس به نیکی و با احترام یاد کرده است و مسیح را صریحاً مخلوق و زاده مخلوق خوانده که هرگز جایگاه الوهیت نداشت و با نفی شریک برای الله، تثلیث را مردود دانست. پیامبر صلی الله علیه و آله در این نامه در عین حفظ احترام نجاشی و دوری از تکبر، به صراحت حقانیت دعوت خود را بیان و از هر نوع تکلف و ابهام‌گویی محافظه‌کارانه در کلام خودداری کرد. چنانکه رویکرد قرآن کریم در ارائه تصویری از حضرت مسیح، مادرش مریم مقدّس و باورهای دینی مسیحیان نیز همین‌گونه است. قرآن کریم از سویی حضرت عیسی عليه السلام را عبد خدا، آبرومند در دنیا و آخرت و مقرب درگاه الهی معرفی کرده است (زخرف/ ۵۹، آل عمران/ ۴۵) و از مادرش مریم مقدّس به عنوان بانویی پاک یاد می‌کند که دارای طهارت روحی و از برترین زنان عالم است (آل عمران/ ۴۲) و از سوی دیگر به صراحت اعتقاد به الوهیت مسیح و سه‌گانه‌پرستی را برابر با کفر (مائده/ ۱۷، ۷۲) و به صلیب رفتن وی را باطل دانسته است (نساء/ ۱۵۷-۱۵۹).

۴- پیمان صلح با مراکز مسیحی

یکی از تعاملات پیامبر صلی الله علیه و آله با مسیحیان، پیمان صلح و دریافت جزیه از آنان است. این

رویکرد برخاسته از آیات قرآن کریم است. قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره توبه حکم دریافت جزیه و پیمان صلح را بیان می‌کند: «با کسانی [از اهل کتاب] که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و پیامبرش حرام کرده‌اند، حرام نمی‌شمارند، و دین حق را نمی‌پذیرند، بجنگید تا با دست خود در حالی که متواضع و فروتن‌اند، جزیه بپردازند».

در ابتدای این آیه، به جهاد و پیکار با اهل کتاب حکم شد اما این حکم، مشروط به عدم مصالحه بر جزیه است و با پذیرش صلح و پرداخت جزیه، جواز حکم به پیکار با مسیحیان رفع می‌شود چرا که بنای قرآن کریم و سیره نبوی بر تعامل با اهل کتاب به دلیل ریشه و حیانی و ابراهیمی دینشان بوده‌است و شاهد بر آن پیمان‌نامه‌های صلح با مناطق و قبایل مختلف مسیحی و یهودی از ابتدای حکومت اسلامی تا رحلت رسول خداست. اکنون چند مورد از پیمان‌نامه‌های رسول خدا ﷺ با قبایل مسیحی بیان می‌شود:

پس از فتح مکه و تسلط بر قبایل بزرگ و تسلیم شدن مشرکان قریش در مقابل مسلمانان، قبایل متعددی در شبه‌جزیره به اسلام روی آوردند و هیئت‌های مختلفی در سال نهم و دهم هجری به مدینه آمدند. از جمله هیئتی شصت نفره از مسیحیان نجران (سرزمین مسیحی‌نشین در یمن) در سال دهم هجری به مدینه آمدند که ۱۴ نفر از آنان از اشراف نجران بودند (ابن هشام، ۵۷۳/۱؛ ذهبی، ۶۹۵/۲). آنان در وقت عصر وارد مسجد پیامبر ﷺ شدند و پس از زمانی وقت نمازشان فرا رسید و آماده نماز شدند. رسول خدا ﷺ فرمود: «آنان را به حال خود واگذارید (تا هر طور که می‌خواهند نماز گزارند)». بزرگان شان سه نفر به نام‌های عبدالمسیح، ابو حارثه و ایهم (عاقب، اسقف و سید) بودند. وقتی نزد رسول‌الله رسیدند، به بحث و گفتگو پرداختند و حاضر به پذیرش اسلام نشدند. سپس آیات آغازین سوره آل عمران و آیه مباهله نازل شد (آل عمران/۶۱؛ ابن هشام، ۵۷۳/۱-۵۷۴، ۵۸۲).

با نزول آیه مباهله از پیامبر ﷺ خواسته شد تا به آنان بگوید با فرزندان، زنان و جان‌هایشان برای مباهله و تعیین حقانیت از سوی خدا بیایند و آنان پذیرفتند. در وقت صبح رسول خدا ﷺ درحالی که دست حسن و حسین را گرفته و فاطمه را از پشت سر و علی را در پیش رویش بودند، بیرون آمدند (یعقوبی، ۸۲/۲؛ ابن اثیر، ۲۹۳/۲).

اشراف نصارا با دیدن آنان گفتند به خدا قسم اینان کسانی اند که اگر خدا را قسم دهند تا کوه فرو ریزد، فرو می‌ریزد. پس مباحله نکردند و به جزیه صلح کردند (مقریزی، ۹۵/۲؛ ابن اثیر، همان). رسول خدا ﷺ علاوه بر جزیه با آنان، بر حفظ و امنیت مال و جان، آئین و کلیساهای آنان و جایگاه‌های دینی راهبان و کاهنان پیمان بست. در فرازی از آن پیمان‌نامه آمده است: «نجرانیان ... دو هزار حله هر یک به بهای یک اوقیه باید ادا کنند، در هر ماه رجب، هزار حله و در هر ماه صفر، هزار دیگر... و اگر خراج را به شکل زره‌ها و اسبان و اشتران یا متاع دیگر دهند از ایشان به حساب پذیرفته خواهد بود... نجران و پیرامون آن مورد حمایت خدا و ذمه محمد پیامبر فرستاده خداوند خواهد بود. آنان بر جان‌ها، مذهب، سرزمین و اموال خود ایمن خواهند بود، چه آنان که غائب‌اند و چه کسانی که حاضرند و چه فرمانروایان و چه سپاهیان‌شان، و نیز نسبت به صلیب‌ها و شمایل‌هایشان در امان خواهند بود، و هر وضعی که داشته‌اند دگرگون نخواهد شد و حقوق و تعالیم مذهبی ایشان مورد تغییر قرار نخواهد گرفت. هیچ اسقفی از اسقفیت خود و هیچ راهبی از رهبانیت خویش و هیچ کاهنی از مقام خویش رانده نخواهد شد، و تمامی متعلقات ایشان از کم و زیاد برای آنان به جا خواهد ماند. به مناسبت تقصیرات و خونریزی‌های مربوط به دوران جاهلیت مأخوذ نخواهند بود، به خدمات جنگی فراخوانده نخواهند شد و عشر نخواهند پرداخت و سپاه به خاک ایشان وارد نخواهد شد. آنان که در پی احقاق حق باشند نسبت به ایشان انصاف اعمال خواهد شد، و هیچ ظالم و مظلومی در نجران نخواهد بود. هر که از این پس رباخواری کند، ذمه من از او بری است. هیچ کس به خاطر ستم دیگری مأخوذ نخواهد بود. نسبت به مفاد این نامه عهد خدا و ذمه محمد پیامبر تا رسیدن امر خداوندی برپا است، مادام که اهل نجران طریق نصیحت در پیش گیرند و به تعهدات خویش به درستی عمل کنند، و بر ایشان تکلیفی به ظلم روا نخواهد شد...» (بلاذری، فتوح البلدان، ۷۲).

نکته مورد نظر اول در این ماجرا، ابتدا نوع برخورد رسول خدا ﷺ با گروه مسیحیان نجرانی است که وارد مسجد مسلمانان شدند و قصد اجرای نماز و مناسک دینی داشتند. رسول خدا ﷺ به اصحاب خود سفارش کرد تا کسی مانع اجرای

مناسک آنان نشود. نکته دوم در این ماجرا، متن و محتوای پیمان‌نامه رسول خدا ﷺ با مسیحیان نجران است چرا که در آن پیامبر ﷺ با وجود توسعه و استحکام بنیان حکومت اسلامی پس از فتح مکه و سلطه بر بسیاری از سرزمین‌های حجاز و اوج قدرت نظامی خود، در تعامل با مسیحیان نجران بر ایمن بودن جان‌ها، مذهب، سرزمین و اموال آنان تأکید کرد. در ابتدای این پیمان، رسول خدا ﷺ بر آنان پرداخت دوهزار حله در سال را مقرر می‌کند اما برای جلوگیری از تکلف و رنج آنان، این مقدار را تقسیط بر دو شش ماه می‌کند و سپس می‌فرماید در صورت عدم تهیه حله، می‌توانند کالاهای دیگر را جایگزین آن کنند. در ادامه این پیمان‌نامه، در امان بودن مردم نجران اعم از نظامی و غیرنظامی، عدم تعدی به آئین مسیحیت و نمادهای آن همچون صلیب و شمایل و کلیساها، محفوظ ماندن و محترم شمردن اموال مسیحیان، محفوظ ماندن جایگاه علمای دینی آنان در کلیساها و دیرها، عفو و بخشش نسبت خطاهای گذشته آنان در عصر جاهلیت، عدم بکارگیری آنان در جنگ‌ها، رعایت عدالت در دادخواهی آنان و تأکید بر ترک رباخواری و در عین حال تهدید بر تداوم رباخواری و مؤاخذه بر آن بیان شد. در واقع این پیمان‌نامه از بهترین منابع برای درک خوانش و رویکرد تعاملی پیامبر ﷺ با مسیحیان به عنوان اهل کتاب به جهت توجه و احترام ایشان به بنیان اولیه و ریشه ابراهیمی آئین مسیحیت است. حضرت محمد ﷺ هرگز اهل کتاب را بر پذیرش اسلام مجبور نکرد؛ بلکه رویکرد ایشان، پذیرش اسلام با طیب نفس و تفکر بوده است و حکم بر پرداخت جزیه و تحت حمایت حکومت اسلامی قرار گرفتن، قدمی در راستای تعاملات و مراودات بیشتر امت مسیحی با امت مسلمان و آشنایی با تعالیم ناب اسلام بوده است. این رویکرد برخلاف رفتاری بود که ایشان با مشرکان بت پرست داشته‌اند چرا که بت پرستان هرگز مُخیر بر انتخاب جزیه و بقا بر آموزه‌های شرک‌آمیز خود نبوده‌اند؛ بلکه پس از شکست، چاره‌ای جز پذیرش و تسلیم شدن در مقابل تعالیم اسلام نداشتند و نمادهای شرک‌آمیز آنان إما می‌شد؛ چنانکه پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از فتح مکه تمامی بت‌های درون کعبه را از بین بردند. همچنین در ایام توقف در تبوک، یوحنا بن زبویه، حاکم سرزمین مسیحی نشین ایله،

نزد رسول خدا ﷺ آمد و بر پرداخت جزیه صلح کرد و سپس حاکم أذرح و جرباء نیز نزد ایشان آمدند و بر جزیه صلح کردند (ابن اثیر، ۲/۲۸۰) و هم‌پیمان سیاسی و نظامی مسلمانان شدند تا با پرداخت مالیات سالیانه، از حمایت نظامی و سیاسی حکومت اسلامی برخوردار شوند و در عین حال بتوانند آزادانه بر آئین خود باقی بمانند و در واقع جزئی از شهروندان جامعه نبوی شوند.

قابل ذکر است که نگرش رسول خدا ﷺ در تعیین جزیه بر اهل ذمه، رعایت انصاف و اعتدال بوده‌است از این رو وقتی پیامبر ﷺ عبدالله بن ارقم را متولی دریافت جزیه از ذمیان قرار داد، به وی فرمود: «آگاه باشید کسی که بر هم‌پیمان ستم کند یا بر او بیش از طاقتش تکلیف کند یا او را تحقیر کند و یا چیزی را بر خلاف رضایت وی از او بگیرد، من در روز قیامت او را بازخواست خواهم کرد» (ابویوسف، ۱۳۹). این گزارش نشان رحمت وسیع رسول خدا ﷺ و نگرش عادلانه ایشان نسبت به اهل ذمه است و همسو با پیمان‌نامه مردم نجران، سهم جدی در تعیین خوانش رسول خدا ﷺ از مسیحیان دارد. این پیمان‌نامه‌ها، حاکی از رویکرد صلح‌جویانه و سیره مبتنی بر گفتگو با اهل کتاب توسط رسول خدا ﷺ است؛ چنانکه با یهودیان مدینه و اطراف آن نیز در بدو ورود، صلح‌نامه امضا شد تا بر اساس آن تحت حکومت تازه تأسیس اسلامی زندگی کنند؛ اما یهودیان بر خلاف مسیحیان این پیمان‌نامه‌ها را زیر پا گذاشته و با مشرکان مکّه در جنگ‌های مقابل مسلمانان همکاری کردند؛ لذا رسول خدا ﷺ با آنان مبارزه و آنان را از مناطق خود تبعید کرد (ابن هشام، ۲/۴۷، ۱۹۰، ۲۱۴، ۲۳۳، ۲۹۰).

۵- برخورد نظامی رسول خدا ﷺ با مسیحیان

رویکرد اولیه در سیره رسول خدا ﷺ با مسیحیان به‌عنوان اهل کتاب آسمانی، تعامل و مباحثات ضمن دعوت به آئین حق و اکتفاء به جزیه برای حمایت حکومت اسلامی از آنان بوده‌است اما در مواردی نیز برخی از قبایل مسیحی به دلیل تعصبات دینی و فریفتگی از حمایت نظامی امپراتوری روم به تقابل نظامی با حکومت اسلامی روی می‌آوردند و همچنین حکومت مسیحی بیزانس نیز به دلیل احساس خطر از جانب دولت تازه تأسیس

اسلامی، به غلبه نظامی و تسلط بر حکومت نوپای اسلامی امید داشت. در چنین مواقعی رسول خدا ﷺ برای حفظ امنیت مسلمانان و حکومت اسلامی، با آنان مقابله به مثل کرد و با توان نظامی خود مقابل آنان ایستاد. این رویکرد پیامبر ﷺ ناظر به همان حکم جهاد با اهل کتاب در آیه ۲۹ سوره توبه بوده است. اکنون چند مورد از برخوردهای نظامی رسول خدا ﷺ با قبایل یا حکومت‌های مسیحی بیان می‌شود:

اولین برخورد نظامی میان مسلمانان و مسیحیان غزوه دُومَه الْجَنْدَل است. در سال پنجم هجری گروهی از مردم قضاعه و غَسَّان (از قبایل مسیحی) تصمیم بر جنگ با مسلمانان گرفتند و دور هم جمع شدند. رسول خدا ﷺ به سوی آنجا حرکت کرد، اما پیش از رسیدن پیامبر ﷺ، آنان متفرق شدند و بازگشتند؛ لذا نزاعی در نگرفت (بلاذری، انساب الاشراف، ۱/۳۴۱).

سه سال بعد، در جمادی الاول سال هشتم هجری و پیش از فتح مکه، رسول خدا ﷺ دستور اعزام سپاهی سه هزار نفری به سوی غَسَّان در نزدیکی سرزمین روم داد که به جنگ مؤته معروف شد. واقعی (۷۵۵/۲-۷۵۷) علت وقوع این جنگ را کشته شدن حارث بن عمیر آزدی (حامل نامه رسول خدا ﷺ نزد پادشاه بصری به جهت دعوت به اسلام) توسط شُرْحَبیل بن عمرو غَسَّانی ذکر می‌کند. رسول الله خطاب به فرماندهان مؤته چنین فرمود: «... به نام خدا و در راه او جنگ کنید، با هر کس که خدا را کافر (کفار اهل کتاب) باشد جنگ کنید، در عین حال مکر و فریب به کار مبرید و غل و غش نکنید و کودکان را نکشید، و چون با دشمنان مشرک (مسیحیان) برخوردید آنها را به یکی از سه چیز دعوت کنید، و هر پیشنهاد را که پذیرفتند قبول کنید و دست از ایشان بردارید، نخست به اسلام دعوتشان کن، اگر پذیرفتند از ایشان بپذیر و از جنگ با ایشان دست بردار، دوم اینکه از ایشان بخواه تا از سرزمین خود بروند و هجرت کنند، و اگر پذیرفتند اعلام کن که برای آنها همان حقوقی منظور خواهد شد که برای دیگران، و اگر مسلمان شدند و ترجیح دادند که در سرزمین‌های خود باشند، به آنها خبر بده که حکم ایشان مانند حکم عرب‌های دیگری است که مسلمان شده‌اند. احکام الهی درباره آنها اجرا خواهد شد، و برای آنها از فیه و غنایم سهمی نخواهد بود، مگر اینکه همراه

مسلمانان در جهاد شرکت کنند. اگر از پذیرفتن این دو مطلب خودداری کردند، آنها را به پرداخت جزیه دعوت کن، و اگر پذیرفتند تو قبول کن و دست از ایشان بردار، و اگر از تمام این پیشنهادها سرپیچی کردند، از خدا یاری بخواه و با آنها کارزار کن...».

در این نامه نگرش تعامل جویانه رسول خدا ﷺ نسبت به اهل کتاب به وضوح بیان شده است. از سویی مسیحیان همان پیروان سه گانه پرستی و تارکان توحید اصیل ابراهیمی هستند، از سوی دیگر مسیحیت در تأسیس مزین به نبی اولوالعزم، حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و مهبط کتاب آسمانی انجیل است از این رو رسول الله به احترام ریشه الهی و وحیانی آن دین، ابتدا مجاهدین مسلمان را از مکر و فریب و کشتار کودکان نهی فرمود و سپس مسیحیان را بر چند امر مخیر کرد.

برخورد دیگر مسلمانان با مسیحیان در نبرد تبوک در سال نهم و پس از فتح مکه بود. در آن سال برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر آوردند که هرقل روم برای جنگ با مسلمانان، قبائل لخم و جذام و غسان و عامله را با خود همراه ساخته است (واقعی، ۹۹۰/۳). رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز همراه با لشکری از مسلمانان به سوی روم حرکت کرد اما خبری از سپاهیان روم نشد و سپس بدون جنگ و نزاعی با رومیان به مدینه بازگشت (طبری، ۱۰۹/۳). همچنین در همان ایامی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبوک بودند، خالد را با سپاهی به سوی اکیدر بن عبدالملک، بزرگ و صاحب دومه الجندل، فرستاد و به وی فرمود: «او را در حال صید گاو کوهی خواهی یافت» و چنین شد و خالد او را در آن حال اسیر کرد و نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کشتن وی را منع کرد و بر پرداخت جزیه با او صلح کرد (مقدسی، ۲۴۰/۴).

بنابراین چنانکه بیان شد رویکرد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با محوریت تعالیم قرآن کریم در مواجهه با اهل کتاب با توجه به ریشه ابراهیمی و وحیانی آنان، تعامل، مماشات و احترام به آئین و مناسک آنان، ضمن دعوت به اسلام و صراحت در بیان انحرافات اعتقادی و عواقب اخروی آن بوده است. زمانی که تعامل و مماشات با اهل کتاب موجب سلب امنیت جامعه اسلامی می شد، رسول الله رویکرد جهاد و مقاومت را در رویارویی با آنان انتخاب می کرد تا با شکست سران و رؤسای کفر، اولاً تهدید از امت

مسلمان دور شود و ثانیاً بیان حق و تعالیم انسان‌ساز قرآن کریم آزادانه به گوش مردم آن سرزمین‌ها رسانده شود تا بستری برای هدایت آنان فراهم شود.

نتیجه

تعاملات و مواجهه‌های رسول خدا ﷺ با مسیحیان در طول دوران رسالت، انگاره‌ای از مسیحیت و مسیحیان را در سیره نبوی ترسیم کرد که همنوا و همسو با انگاره قرآنی بوده‌است. در این انگاره، احترام و حفظ قداست حضرت عیسی علیه السلام به عنوان نبی الوالعزم و مادرش مریم مقدّس مورد تأکید است. مسیحیان به‌عنوان پیروان یکی از ادیان ابراهیمی و دارای کتاب آسمانی مورد حُسن خُلق، برخورد رئوفانه، عفو و رحمت از سوی پیامبر اسلام ﷺ بوده‌اند. برخی از آنان نقاط قوتی همچون عدالت خواهی، صداقت و مودت نسبت به مسلمانان داشتند. رسول خدا ﷺ آنان را پس از پیمان صلح و جزیه، در بجا آوردن مناسک دینی آزاد گذاشت. دریافت جزیه نیز بر محور اعتدال و انصاف و با حفظ جایگاه عالمان و راهبان و اماکن دینی آنان بود. مسیحیان با توجه به ریشه ابراهیمی، اجباری بر پذیرش اسلام نداشته‌اند و بر پیمان‌نامه صلح و جزیه در مقابل تأمین امنیت آنان توسط حکومت اسلامی و یا هجرت کردن بدون تعدّی و تجاوز، مخیر بودند؛ بر خلاف مشرکین غیر اهل کتاب که بر موارد مذکور مخیر نبودند. در این انگاره گرچه احترام به مقدّسات دین مسیحیت لازم است اما انحرافات اعتقادی آنان همچون سه‌گانه پرستی و الوهیت مسیح، شرک و گمراهی آنان از حقیقت به صراحت بیان و اسلام به عنوان تنها راه رستگاری و نجات از عقوبت معرفی می‌شود. محور پایانی این انگاره نیز ضرورت حفظ امنیت مسلمانان در مقابل آن دسته از مسیحیانی است که بنای بر تعامل و صلح با مسلمانان نداشتند و تهدیدی برای امنیت حکومت اسلامی بوده‌اند. در چنین مواقعی برخورد نظامی با آنان جهت حفظ امنیت مسلمانان مورد توجّه بوده‌است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر جزری، عزالدین، الکامل، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵.
- ابن أعمش کوفی، محمد، الفتوح، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۱.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- ابن قتیبه دینوری، أبو محمد، المعارف، قاهره، الهيئة المصریه العامه للكتاب، ۱۹۹۲.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷.
- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ابویوسف، الخراج، قاهره، المكتبه الأزهریه التراث، ۱۴۳۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷.
- _____، فتوح البلدان، بیروت، دار مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.
- بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵.
- پیری اردکانی، منصوره، «مناسبات فرهنگی مسلمانان و مسیحیان در سده نخستین هجری»، راهنما: ابوالقاسم پیاده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، تابستان ۱۳۹۱ ش.
- پیگو لوسکایا، نینا ویکتورونا، اعراب حدود مرزهای ایران و روم شرقی، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ ش.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳.
- زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت، ۱۳۸۴ ش.
- ژیلیو، کلود، «مسیحیان و مسیحیت در تفاسیر اسلامی»، در مسیحیت و مسیحیان در متون اسلامی، ترجمه محمد حسین محمدپور، مشهد، نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹ ش.
- سالم، عبدالعزیز، تاریخ العرب فی عصر الجاهلیه، بیروت، دارالنهضة العربیه، بی تا.
- سعادت، احمد، «سیره سیاسی و مبارزاتی اعظم ﷺ با اهل کتاب»، نشریه کوثر معارف، سال دوم، شماره ۱، دی ۱۳۸۵ ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالساقی، ۱۴۲۲.
- علی بیگی، حسین و همکاران، «مواضع سیاسی - نظامی پیامبر ﷺ در مواجهه با مسیحیان جزیره

العرب»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ش ۳۰، تابستان ۱۳۹۷ش، ص ۵-۳۰.

DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.30.1.5

- گُدارد، هیو، تاریخ روابط اسلام و مسیحیت، ترجمه منصور معتمدی و زهرا مؤدب، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ش.
- گرامی، سید محمد هادی، مقدمه‌ای بر تاریخ نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای، تهران، نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۶ش.
- مراد، سلیمان، «مسیحیت و مسیحیان در سیره نبوی» در مسیحیت و مسیحیان در متون اسلامی، ترجمه محمد حسین محمدپور، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹ش.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
- مقریزی، احمد بن علی، إمتاع الأسماع، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰.
- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹.
- یدالله پور، مریم و معصومه یدالله پور، «بررسی سیره نظری و عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحیان جزیره العرب»، نشریه تاریخ پژوهی، سال ۱۴، ش ۵۲، پاییز ۱۳۹۱ش، ص ۴۳-۶۲.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، بی تا.